

ارزیابی تطبیقی نظرات اندیشمندان اسلامی در باره دولت در اقتصاد با قرآن

نوع مقاله: پژوهشی

سعیده علیزاده^۱

مرتضی عزتی^۲

تاریخ پذیرش:

تاریخ دریافت:

چکیده

در طول تاریخ مفهوم دولت دستخوش تغییرات بسیاری شده است، به طوری که این تحول منجر به ظهور شکل‌های متنوعی از دولت‌ها در سطح جوامع مختلف شده است. در راستای این تحول دیدگاه‌های متفاوتی در ارتباط با نقش و حدود دخالت دولت در عرصه اقتصاد ظهور نموده‌اند. بخشی از این دیدگاه‌ها، نظرات اندیشمندان مسلمان است که درباره ابعاد مختلف اقتصاد دولت (وظایف دولت در زمینه‌های اقتصادی، اختیارات دولت در زمینه‌های اقتصادی، حدود دخالت دولت در فعالیت بخش خصوصی، علت ناکارآمدی دولت و مانند اینها)، مباحثی را مطرح کرده‌اند، نکته قابل توجه، این است که به نظر می‌رسد، قرآن کریم چندان به این موضوع نپرداخته است. درباره هر مساله از جمله، اقتصاد دولت، قرآن بر دیدگاه اندیشمندان مسلمان مقدم است و تنها اگر دیدگاه آنها با قرآن هماهنگ بود ممکن است بتوان به آن قید اسلامی داد. از این‌رو در این مقاله کوشش شده است با استخراج آیات مرتبط با اقتصاد دولت در قرآن و بررسی تطبیقی میان آیات قرآن و دیدگاه‌های چهار اندیشمند مسلمان (سید محمدحسینی بهشتی، ابن خلدون، مرتضی مطهری و سید محمدباقر صدر) موضوع اقتصاد دولت، بررسی و صورت‌بندی نظری شود. در این بررسی به این نتیجه می‌رسیم که قرآن کریم صراحتاً به نقش دولت در عرصه اقتصاد نپرداخته و دخالت دولت را در فعالیت‌های اقتصادی خصوصی تأیید نمی‌کند. از این منظر نمی‌توان دخالت دولت در اقتصاد را به اسلام و قرآن نسبت داد. در این زمینه نظرات ابن خلدون (مخالف دخالت مستقیم دولت در فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی با تأکید بر یک دستگاه نظارتی) به قرآن نزدیکی بیشتری دارد.

کلیدواژه‌ها: بخش خصوصی، دولت، قرآن، اقتصاد اسلامی

طبقه‌بندی JEL: L32, P59, H10, P40

۱. استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

saeedeh.alizadeh@modares.ac.ir

mezziati@modares.ac.ir

۲. دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

مقدمه

امروزه دولت به سبب فعالیت‌هایی که به آن می‌پردازد، حضور قوی و روشنی در اقتصاد دارد و شکل و دامنه آن در کشورها بسیار متنوع شده است. اقتصاددانان درباره نقش، اختیارات و حدود دخالت دولت اختلاف نظر دارند؛ بسیاری معتقدند دخالت دولت باعث کاهش کارایی، انگیزه، بهروری و نوآوری، هدررفت منابع، اختلال در قیمت‌ها، بی‌ثباتی اقتصاد کلان و کاهش رقابت می‌شود.

دو دیدگاه غالب درباره دخالت دولت در اقتصاد وجود دارد: اولی رشد اقتصادی را در اولویت می‌داند و آن را در گرو واگذاری کامل فعالیت‌ها به بخش خصوصی می‌بیند؛ دومی دولت را موتور اصلی توسعه می‌داند و به جای اصل دخالت، بر اندازه آن تمرکز دارد. اندیشمندان مسلمان نیز دیدگاه‌هایی درباره وظایف، اختیارات، حدود دخالت و ناکارآمدی دولت مطرح کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد قرآن کریم به عنوان منبع اصلی دینی، به صراحت به این موضوعات نپرداخته و رویکرد مستقیمی در خصوص نقش و حدود دولت در اقتصاد ارائه نداده است؛ با این حال، هرگونه نظریه پردازی در حوزه اقتصاد اسلامی باید با معیارهای قرآنی سنجیده شود و تنها آرای می‌توانند هویت اسلامی داشته باشند که با آموزه های قرآنی هماهنگ باشند. از این رو، پرسش اصلی پژوهش آن است که آیا میان دیدگاه های چهار اندیشمند منتخب (بهشتی، ابن خلدون، مطهری و صدر) در خصوص اقتصاد دولت و آموزه های قرآن کریم، هماهنگی وجود دارد و کدامیک از این آراء، قرابت بیشتری با رویکرد قرآنی دارند؟ برای پاسخ به این پرسش، پژوهش حاضر درصدد است تا با استخراج آیات مرتبط با ابعاد اقتصاد دولت و بررسی تطبیقی آنها با دیدگاه‌های این چهار اندیشمند، میزان هماهنگی دیدگاه های مذکور را با قرآن مورد ارزیابی قرار دهد.

برای این بررسی، پس از نگاهی به پیشینه اقتصاد دولت در قرآن کریم و اشاره به روش بررسی، ۴ بعد اقتصاد دولت از نگاه چهار اندیشمند مسلمان (بهشتی، ابن خلدون، مطهری و صدر) ارائه می‌شود. سپس ابعاد اقتصاد دولت از قرآن استخراج می‌شود. آنگاه در یک تحلیل تطبیقی، ابعاد اقتصاد دولت از دیدگاه این اندیشمندان با چارچوب برداشتی از آیات قرآن مقایسه می‌شود تا انطباق یا اختلاف آنها روشن شود و بتوان جمع‌بندی پایانی را ارائه کرد.

۱. پیشینه

می‌توان نوشته‌های منتشر شده در زمینه دولت و اقتصاد را به چند دسته تقسیم کرد. از نگاه متمرکز بر این مقاله می‌توان این نوشته‌ها را به دو دسته: یکی در فضای گفتمانی اقتصاد سنتی یا متعارف و دیگری در فضای اقتصاد و اسلام از هم جدا کرد. در میان گروه دوم نوشته‌های بسیاری درباره اقتصاد دولت از سوی اندیشمندان مسلمان با برداشت‌هایی به نام اسلام منتشر شده است که می‌توان به بررسی‌های کهنوجی (۱۳۹۰، ۲۰۷-۱۸۵)، هادی‌نیا (۱۳۸۲، صص ۳۶-۱۱)، هادی‌نیا (۱۳۸۶، صص ۳۱-۷)، ناصر جهانپان (۱۳۸۹، صص ۱۰۸-۷۹)، تقوی و همکارش (۱۳۹۹، صص ۱۵۸-۱۲۷)، مالک (۱۳۸۲، صص ۶۸-۳۷)، حاج کاظمی و همکارش (۱۴۰۱، صص ۱۷۶-۱۵۸)، زراء نژاد (۱۳۸۳، صص ۲۲-۷)، قحف (۱۳۸۴، صص ۱۷۸-۱۵۸)، قحف (۱۳۸۵، صص ۱۸۸-۱۵۷)، نقوی (۱۳۶۶)، جوده السحار (۱۳۵۷)، و صادقی شاهدانی (۱۳۹۶، صص ۶۸-۸۵)، اشاره کرد. نکته قابل توجه در این دسته از بررسی‌ها این است که هیچ یک از این بررسی‌ها هر ۴ جنبه از

موضوع مطرح شده در این نوشتار در باره اقتصاد دولت (وظایف دولت در زمینه های اقتصادی، اختیارات دولت در زمینه های اقتصادی، حدود دخالت دولت در فعالیت بخش خصوصی و علت ناکارآمدی دولت) را با هم مطرح نکرده اند. هر بررسی برخی از این جنبه ها را مطرح و بحث کرده و به اسلام نسبت داده است. پیش از مرور این بررسی ها یادآوری این نکته به جا است که بررسی حاضر در موضوع و روش با بررسی هایی که اشاره شد، متفاوت است. ۵ بررسی را که اندکی به بررسی حاضر نزدیکتر است مرور می کنیم.

موسویان (۱۳۸۲، ۸۰-۵۳) به بررسی جایگاه دولت در اقتصاد از دیدگاه اسلام پرداخته است. این بررسی دو جنبه تحلیلی وظایف و اختیارات دولت در زمینه های اقتصادی را با دیدگاه اسلامی بیان کرده است. در این بررسی وظایف اقتصادی دولت شامل: برنامه ریزی برای اشتغال کامل، تامین اجتماعی، تصدی مستقیم فعالیت های اقتصادی و تثبیت ارزش واقعی پول و اختیارات اقتصادی دولت در بر دارنده: حق نظارت و کنترل، حق قانون گذاری در منطقه مباحات، اجبار بر فروش و اجاره، وضع مقررات بر استفاده از منابع طبیعی، اجبار برای انجام فعالیت های خاص و قیمت گذاری کالا و خدمات بیان شده است.

رفیعی آتانی (۱۳۸۶، ۵۹-۳۷) به بررسی جایگاه دولت پرداخته است. این بررسی دو جنبه تحلیلی وظایف دولت در زمینه های اقتصادی و حدود دخالت دولت در فعالیت بخش خصوصی را مطرح کرده است. در این نوشتار وظایف اقتصادی دولت شامل: ارائه طرح عملی نظام اقتصادی اسلام، سیاست گذاری اقتصادی، برنامه ریزی اقتصادی، اجرای قوانین، سیاست ها و برنامه های اقتصادی و تصدی و حدود دخالت دولت در فعالیت بخش خصوصی در بر دارنده: فعالیت های بدون سود و در عین حال لازم برای جامعه مثل ساختن مدرسه، بیمارستان، پارک های تفریحی و ورزشگاه، تولید کالاهای خاص و واسطه های، انجام فعالیت هایی که نیازمند سرمایه اولیه بزرگی است که تامین آن از توان بخش خصوصی خارج است و در مواردی که اقدام بخش خصوصی مخالف مصالح مسلمانان باشد، بیان شده است.

رضایی (۱۳۸۳، ۶۴-۳۹) به تحلیل جایگاه نهاد دولت در اقتصاد پرداخته است. در این بررسی کوشش شده است دو جنبه تحلیلی وظایف و اختیارات دولت در زمینه های اقتصادی مورد تحلیل و واکاوی قرار گیرد. این بررسی وظایف اقتصادی دولت را شامل: توزیع ثروت های طبیعی و اموال دولتی به صورتی که فاصله طبقاتی رخ ندهد، تعدیل درآمدها از راه اخذ مالیات با لحاظ حفظ عمران و آبادی، نظارت بر بازار و حمایت از قیمت های عادلانه و اختیارات دولت در زمینه های اقتصادی را در بر دارنده: مالیات های متغیر حکومتی، درآمدهای گمرکی ناشی از وضع عوارض گوناگون بر واردات کالا، خراج، زکات و خمس و انفال، بیان نموده است.

دهشور و همکاران (۱۳۶۶) در بخشی از بررسی در ارتباط با طرح و مبانی اقتصاد در قرآن کریم به موضوع اقتصاد دولت نیز پرداخته اند. این بررسی دو جنبه تحلیلی وظایف دولت در زمینه های اقتصادی و حدود دخالت دولت در فعالیت بخش خصوصی را مطرح کرده است. در این بررسی وظایف اقتصادی دولت شامل مالیات های اسلامی ((بقره، ۴۳)، (نساء، ۷۷)، (مائده، ۱۲)، (اعراف، ۱۵۶)، (توبه، ۵)، (مریم، ۲۱)، (انبیاء، ۷۱)، (حج، ۴۱)، (مومنون، ۱)، (نور، ۳۷)، (احزاب، ۳۳)، (مجادله، ۱۳)، (مزل، ۲۰)، (لیل، ۱۴))، و حدود دخالت دولت در فعالیت بخش خصوصی در بر دارنده: عدم انحصار ثروت (ماعون ماعون، ۴)، تکاثر (تکاثر، ۱) و کنز (توبه، ۳۴)، (معارج، ۱۵)، و (همزه، ۱))، بیان شده است.

موسوی اصفهانی (۱۳۶۸) در بخشی از بررسی خود با عنوان ملاحظات پیرامون پیام‌های اقتصادی قرآن کریم به موضوع اقتصاد دولت نیز پرداخته است. در این بررسی کوشش شده است دو جنبه تحلیلی وظایف و اختیارات دولت در زمینه‌های اقتصادی را از دیدگاه قرآن کریم تحلیل و واکاوی شود. این مطالعه وظایف اقتصادی دولت را شامل برنامه‌ریزی اقتصادی (انفال، ۶۰)، (یوسف، ۴۹-۴۷)، (سجده، ۵)، رشد و توسعه اقتصادی (مائده، ۶۶)، (اعراف، ۹۶)، (انفال، ۵۳)، (یونس، ۹۸)، مالیات‌های اسلامی (انفال، ۴۱)، (نحل، ۹۰)، (اسراء، ۲۶)، (روم، ۲۸)، (حشر، ۷)، (فجر، ۱۸)، و اختیارات اقتصادی دولت (نساء، ۵۹)، (انفال، ۱)، را دربردارنده: مبارزه با فقر (حاقه، ۳۳ و ۳۴)، (ماعون ۲ و ۳)، (فجر، ۱۷ و ۱۸)، درآمدهای دولت (مالیات‌ها، معادن، اراضی، ثروت‌های بازرگانی، صنعتی، کشاورزی، فی سبیل‌الله، تعاون، انفاق مازاد بر احتیاج)، (توبه، ۳۵ و ۳۶)، (بقره، ۴۳)، (بقره، ۲۶۷)، (انعام، ۴۱)، (محمد، ۴)، (توبه، ۲۹)، (بقره، ۱۹۵)، (ماعون، ۷-۱)، (مائده، ۲)، (توبه، ۳۴)، (نور، ۲۲)، مدیریت اقتصاد اسلامی (نساء، ۵ و ۶)، (یوسف، ۵۵)، و شرایط کارگزاران اقتصادی (قصص، ۲۶)، (بقره، ۲۴۷)، بیان کرده است.

بر پایه بررسی‌های پیشین در زمینه اقتصاد دولت در قرآن کریم، می‌توان گفت بررسی مشخصی مشاهده نمی‌شود که اقتصاد دولت را با محوریت قرآن به صورت مستقل ارایه کند. به ویژه اینکه هیچ یک به نقد و مقایسه دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان بر مبنای قرآن نپرداخته است.

۲. مفاهیم کلیدی اقتصاد دولت

در **تعریف** کلاسیک، دولت نهادی است که انحصار کاربرد مشروع زور را در جامعه خاصی در اختیار دارد و وظیفه اصلی آن حفظ نظم و امنیت و اجرای قوانین است (هافمن، ۲۰۰۷، صص ۱۷۴-۱۷۵). بر اساس دیدگاه آدام اسمیت، بنیانگذار مکتب کلاسیک، **وظایف دولت** باید به سه حوزه محدود شود: حفظ و حراست از جامعه در برابر دشمنان خارجی، حمایت از افراد در مقابل ظلم و بی عدالتی، و برپایی و نگهداری نهادهای اجتماعی و خدمات عمومی که بخش خصوصی قادر به تأمین آنها نیست. (معمارنژاد و بابازاده، ۱۳۹۲، صص ۱۹۱)، بر این اساس، اختیارات دولت نیز به همین سه حوزه محدود می‌شود و دولت نباید در فعالیت‌های اقتصادی که بخش خصوصی می‌تواند انجام دهد، مداخله کند. کلاسیک‌ها دخالت دولت را به جز در مواردی مانند انحصارات طبیعی که نوعی شکست بازار محسوب می‌شود، غیرمجاز و مضر میدانستند و بر حداقل دخالت دولت در اقتصاد تأکید داشتند. **حدود دخالت دولت در فعالیت بخش خصوصی** نیز بر اساس همین اصل تعیین می‌شود: بازار آزاد و رقابتی می‌تواند از طریق سازوکار قیمت‌ها، تولید، مبادله و توزیع را بهینه کند و هرگونه مداخله دولت در این فرآیند، باعث اختلال و کاهش کارایی خواهد شد. علت **ناکارآمدی دولت** نیز از دیدگاه کلاسیک‌ها و نظریه پردازان بعدی، ناشی از گسترش بیش از حد دولت و دخالت در حوزه‌هایی است که بخش خصوصی توانایی انجام آنها را دارد؛ زیرا این امر منجر به تخصیص غیربهینه منابع، کاهش رقابت و افزایش هزینه‌های مبادلاتی می‌شود. (فراز مند و همکاران، ۱۴۰۴، صص ۴۸۰-۴۷۷).

۳. روش

پژوهش حاضر از نوع بنیادی، کیفی و اکتشافی است که با رویکرد تطبیقی-مقایسه ای و جهت گیری تفسیری-استنتاجی به کشف و استخراج نظریه اقتصاد دولت از منظر قرآن و مقایسه آن با دیدگاه های چهار اندیشمند مسلمان (بهشتی، ابن خلدون، مطهری و صدر) پرداخته است. داده های پژوهش شامل دو دسته است: آیات قرآن و نوشته های چهار اندیشمند که به صورت هدفمند و بر اساس ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با ابعاد اقتصاد دولت (وظایف، اختیارات، حدود دخالت و علل ناکارآمدی) انتخاب شده اند. گردآوری داده ها به روش کتابخانه ای و اسنادی انجام شده است. در بخش قرآن، با بهره گیری از روش تحلیل مضمونی، آیات بر اساس مضامین مدیریتی و اقتصادی شناسایی و دسته بندی شده و در بخش اندیشمندان، مفاهیم کلیدی از نوشته های ایشان استخراج گردیده است. در هر دو بخش، مطالب تکراری حذف و تنها داده های مستند و معتبر مبنای تحلیل قرار گرفته اند. تحلیل داده ها با روش تحلیل مضمونی و رویکرد استقرایی انجام شده است که طی آن، مفاهیم اولیه استخراج و در چهار مؤلفه کلیدی دسته بندی شده و در نهایت، الگوهای هماهنگی و تفاوت دیدگاهها با یکدیگر و با قرآن شناسایی شده است. در بخش روایی، از مثلث سازی با استفاده از دو منبع اصلی داده (قرآن و آثار اندیشمندان) بهره گرفته شده است. و در کنترل تفاسیر از تفاسیر معتبر (مانند المیزان) استفاده شده و برای پایایی، فرایند پژوهش مستندسازی و چندین نوبت بازنگری شده است. انتخاب چهار اندیشمند بر اساس معیارهایی چون تنوع زمانی و مکانی، داشتن آثار منسجم، تأثیرگذاری علمی و اجتماعی و دارا بودن رویکردهای متفاوت (فقهی، جامعه شناختی، نظام مند و حقوقی) صورت گرفته است و هر یک با توجه به شرایط زمانی و جایگاه اجتماعی خود، رویکردی ویژه به این تبیین داشته اند.

۴. بررسی و دسته بندی دیدگاه اندیشمندان مسلمان درباره اقتصاد دولت در قرآن کریم

در اینجا دیدگاه های ۴ اندیشمند مسلمان درباره ۴ بعد اقتصاد دولت استخراج و بیان می شود. چارچوب های این دیدگاهها برپایه نوشته های آنها ارایه می شود، البته باید این نکته را متذکر شد که همه، اندیشمند مسلمان منتخب در این بررسی، تمام جنبه های اقتصاد دولت در قرآن کریم را در مباحث خود مطرح ننموده و برخی از آنها، نهایتاً به سه بعد اکتفا نموده اند.

۱/۴. سید محمدحسینی بهشتی

وظایف دولت در زمینه های اقتصادی. به طور کلی سید محمد حسینی بهشتی ۵ وظیفه عمده را جز وظایف اقتصادی دولت ها عنوان نموده است. تامین نیاز های مادی (باید به همه افراد جامعه امکان داد که به اندازه کافی غذا بخورند، به اندازه کافی حرکت و تلاش کنند، به اندازه لازم درس بخوانند، مهارت یاد بگیرند، امکان رشد داشته باشند و وقتی مهارتی را یاد گرفتند باید به آنها امکان داد که برای خودشان کار کنند و مجبور نباشند کارشان را با دستمزد ناچیز به دیگران بفروشند، زمینه استثمار را باید از بین برد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۶، ۱۶۷))، تامین مسکن (مسکن از نیازهای اساسی هر انسان (شرایط تشکیل خانواده برای پسران و دختران) و یکی از ابزارهای اصلی توسعه اقتصادی به شمار می رود. کمبود مسکن از راه های فشار اقتصادی صاحبان مستغلات بر مردم کم درآمد و حقوق بگیر و به وجود آمدن یک قشر پر درآمد نیز هست

(حسینی بهشتی، ۱۳۸۸، ۴۷)، تامین ابزار کار و سرمایه (تز اقتصادی ما برای بیرون کردن جامعه مان از بن بست فقر و محرومیت خلاصه می شود در این بیان که دولت اسلامی ما در برابر هر انسانی که می خواهد کار مولد انجام بدهد، چه کار کشاورزی، چه کار صنعتی، چه کار خدماتی، وظیفه دارد برای هرکسی که می خواهد کار کند سرمایه و ابزار کاری فراهم کند که در اختیار خود او باشد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۷ الف، ۲۴۳)، سرمایه گذاری در بخش های کلان اقتصاد (سرمایه گذاری در صنایع بزرگ و وسیع، تولیدات و توزیعات بزرگ، از حدود امکانات افراد، گروه ها و شرکت ها بیرون است و در این صورت انجام چنین امور واجبی از واجبات دولت اسلامی تلقی شده و دولت باید مستقیماً عهده دار انجام این واجب گردد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۷ ب، ۱۴۹-۱۴۷)، نظارت بر جریان کلی اقتصاد (دولت اسلامی موظف است بر جریان کلی اقتصاد نظارت کند و هر زمان که ممکن است شیوه تولید و یا توزیع به مصالح اقتصادی عموم آسیبی وارد کند مداخله کرده و مقابل آن بایستد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۴، ۵۸۱)، از جمله این ۵ وظیفه اقتصادی دولت از نظر ایشان می باشند.

اختیارات دولت در زمینه های اقتصادی. در اقتصاد اسلامی مورد نظر ایشان دولت به مانند مکتب کینزین در اقتصاد، در جمع و وضع مالیات و افزایش هزینه های عمومی به منظور اشتغال کامل دخالت می کند و در درجات مختلف در زمینه هایی چون درآمدها، سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال مسئولیت هایی را نیز می پذیرد (حسینی بهشتی، ۱۳۸۰، ۷۸).

حدود دخالت دولت در فعالیت های بخش خصوصی. تمام فسادها در هر اجتماعی که باشد در درجه اول به علت نداشتن یک نظام مقتدر و عادل که نام آن را حکومت صالح می گذاریم، است. اگر ما عرضه و تقاضای آزاد را ملاک تعیین قیمت ها و نرخ ها گذاشتیم، قطعاً هرج و مرج و انحراف خواهد بود. اگر ما نرخ گذاری هدایت شده و اقتصاد هدایت شده در چارچوب مصلحت نه یک قشر بلکه عموم را محور قرار دهیم مساله حل است. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۷، ۶۶-۶۷). **علت ناکارآمدی دولت.** حسینی بهشتی دولت متمرکز (تمرکز مدیریتی)، را ناکارآمد می داند. ایشان بیان می کنند دولتی ناکارآمد خواهد بود که از لحاظ مدیریتی و نه از لحاظ مالکیت اقتصاد را تحت کنترل خود درآورد. از نظر وی باید کار مردم را به مردم واگذار کرد و از تمرکز در دولت جلوگیری نمود. الگوی جایگزین حسینی بهشتی در مقابل اقتصاد دولتی و کابینالیستی، اقتصاد مردمی است که تعاونی های کشاورزی و صنعتی یکی از جلوه های این مهم به شمار می روند. (حسینی بهشتی، ۱۳۶۴، ۱۴۶۷).

۲/۴. ابن خلدون

وظایف دولت در زمینه های اقتصادی. ابن خلدون معتقد است که دولت ها عمدتاً از طریق کالا و خدمات، سیاست های مالیاتی و هزینه های خود نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصاد ایفا می کنند. به نظر ابن خلدون دولت بزرگترین بازار، مادر، اساس و مایه همه بازارها در دخل و خرج است. نقشی که وی برای دولت در اقتصاد قائل است به سان نقش قلب در بدن است. بر این اساس وی معتقد است که دولت ثروت های پراکنده در جامعه را از طریق نظام مالیاتی جمع آوری می کند و دوباره از طریق مخارج دولتی به پیکره اقتصاد بر می گرداند. به اعتقاد وی

مخارج دولت سبب افزایش تولید در جامعه شده و دومرتبه از طریق مالیات به طور مضاعف به خزانه دولت بر می گردد (موسایی و همکارش، ۱۳۹۶، ۲۵۸-۲۵۶).

اختیارات دولت در زمینه های اقتصادی. در خصوص نقش و اختیارات دولت در اقتصاد، ابن خلدون دارای نظریه ای معتدل و نسبتاً جامع می باشد. تأکید بر نقش اساسی دولت در ایجاد کالاهای عمومی، تشریح اهمیت مخارج دولتی در تنظیم و تعادل و رونق اقتصادی، مخالفت با فعالیت اقتصادی مستقیم دولت به دلیل اضرار به بخش خصوصی و اختلال در وضعیت مطلوبی رقابتی بازار، مخالفت با سلب آزادی در تجارت، تأکید بر دستگاه نظارتی قوی، اجزای نظریه او در این خصوص می باشند (اخوان، ۱۳۷۸، ۱۰۱).

حدود دخالت دولت در فعالیت های بخش خصوصی. ابن خلدون در صدد تشریح چگونگی اضرار فعالیت های دولتی بر بخش خصوصی و عموم مردم بر می آید. به نظر وی مداخله دولت در جریان مبادله اقتصادی و فعالیت های بخش خصوصی، روند مبادله را در سطح عمران مختل کرده و در نتیجه این اختلال قطعاً خود نیز مختل و نارسا می گردد. از نظر ابن خلدون وظایف اصلی دولت ها تحقق امنیت و عدالت است. لذا دخالت دولت در امور بازرگانی باعث دلسردی مردم و در نهایت کاهش مالیات پرداختی آنها به دولت خواهد شد. وی مخالف انحصار و انحصار طلبی دولت در فعالیت های اقتصادی است و این کار را مانع پیشرفت و توسعه اساسی جوامع می داند. همچنین بخش دولتی نیز در نهایت از چنین وضعیتی منتفع نمی گردد زیرا به علت کاهش درآمدهای بخش خصوصی، درآمدهای مالیاتی نیز کاهش می یابند. (خداپرست مشهدی و همکاران، ۱۳۹۰، ۷۱-۶۸). آنچه می توان از این موضوع نتیجه گرفت این است که ابن خلدون دخالت دولت در جریان روند مبادلات اقتصادی بخش خصوصی را نادرست می داند و عدم دخالت دولت را عامل افزایش رقابت میان صنایع و بخش خصوصی در نظر دارد، اما یک نقش تنظیم کننده جهت جریان کلی اقتصاد برای دولت نیز قائل است. (ابن خلدون، ۱۳۶۲، ۵۴۵-۵۳۸).

علت ناکارآمدی دولت. نکته مهمی که ابن خلدون بدان توجه می دهد این است که گاه دولت هایی که توان کنترل هزینه ها را ندارند به روش هایی روی می آورند که نتایج بسیار اسفناکی را به دنبال خواهد داشت و به عمق مشکلات افزوده خواهد شد و آن ورود دولت و دولتمردان در فعالیت های اقتصادی است. درواقع حلقه اصلی ناکارآمدی دولت ها از نظر ابن خلدون همین مطلب است. وی در این ارتباط به چندین محور توجه می کند:

۱. در شرایطی که دولت ها و دولتمردان وارد فعالیت های اقتصادی می شوند به دلیل توان و امکانات مالی برتر بازار را از شرایط رقابتی خارج می کنند و رفتارهای آنها روی قیمت ها اثرگذار است و عملاً این موضوع نتیجه ای جز تضعیف بخش خصوصی نخواهد داشت.

۲. دولت ها از پشتوانه قدرت برخوردارند و گاه به زور وضعیت را تغییر می دهند و در نهایت روی قیمت ها اثرگذار خواهند بود.

۳. سومین ابزاری که دولت ها را به سمت ناکارآمدی سوق می دهد استفاده از وضع قوانین و مقررات یک سویه است که کانال دیگری برای اثرگذاری بر قیمت های بازار و تضعیف بخش خصوصی است (یوسفی شیخ رباط، ۱۳۹۵، ۴۰۲-۳۹۸).

۳/۴. مرتضی مطهری

اختیارات دولت در زمینه های اقتصادی. مطهری سیاستگذاری در جهت اهداف نظام اقتصاد اسلامی (دولت می تواند در اوضاع گوناگون و با در نظر گرفتن مصالح، قوانین را جعل و برای رسیدن به اهداف مورد نظر خود سیاستگذاری کند) (مطهری، ۱۳۷۲ الف، ۱۱۳)، وضع مالیات (وضع مالیات از اختیارات دولت در فعالیت های اقتصادی است. دولت در هر زمانی می تواند برای هر چیزی بر طبق مصلحتی که ایجاد می کند مالیات وضع کند) (مطهری، ۱۳۷۲ ب، ۶۴)، بهره برداری از زمین های عمومی (مطهری، ۱۳۶۸، ۱۵۸-۱۵۶)، و اداره انفال (مطهری، ۱۳۶۸، ۱۵۸-۱۵۶)، را از جمله اختیارات دولت اسلامی در زمینه فعالیت های اقتصادی معرفی نموده است.

حدود دخالت دولت در فعالیت های بخش خصوصی. مطهری ضمن اینکه دخالت دولت در اقتصاد و تدبیر امور را به وسیله دولت می پذیرد و حتی تمرکز در تصمیم گیری را در جهت تکامل جامعه می داند، در عین حال اصل را بر آزادی فعالیت های اقتصادی گذاشته، دخالت دولت را در اقتصاد به ویژه در مواردی که به سلب آزادی بخش خصوصی یا محدودیت آن می انجامد مخالف اصل و منحصر به ضرورت می داند. وی در ادامه به ضرورت برنامه ریزی و تمرکز در اقتصاد تاکید می کند و بیان می نماید که در این که جامعه باید به سوی تمرکز برود تردیدی نیست و این آزادی ها در امور اقتصادی به صورت هرج و مرج نمی تواند ادامه یابد لذا می بینیم که روز به روز وزارت خانه های جدید به وجود می آیند تا همه چیز را تحت ضابطه و نظر در بیاورند. (مطهری، ۱۳۶۳، ۲۶۶). حکومت اسلامی حق دارد در یک سلسله معاملاتی که فی حد ذاته و از نظر فردی مجاز است، روی مصالحی که تشخیص می دهد جلوی آزادی اولی که خود شارع داده است بگیرد پس مساله تثبیت نرخ ها خود موید این آزادی است نه این که معنایش این است که چنین آزادی ای وجود ندارد. (مطهری، ۱۳۷۲ الف، ۱۱۳ و ۱۱۴).

علت ناکارآمدی دولت. مطهری دولتی را که باعث، جدایی حکومت اسلامی و مردم، سرکوب آزادی در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، تبعیض و بی عدالتی و غفلت از معنویت شود را دولت ناکارآمد معرفی می نماید (مطهری، ۱۳۸۶).

۴/۴. سید محمدباقر صدر

وظایف دولت در زمینه های اقتصادی. صدر در قالب دو وظیفه عمده تطبیق عناصر ثابت اقتصادی و تعیین عناصر متغیر هماهنگ با شاخص های کلی و اجرای وظیفه اول مطابق با شرایط و ظرفیت نظام اقتصادی، مسئولیت هایی در حوزه فعالیت های اقتصادی برای دولت در نظر گرفته است. وی، تلاش برای بهبود تخصیص منابع (گسترش اطلاع رسانی به کارگزاران اقتصادی، مبارزه با انحصارها، تشویق رقابت، تامین کالاهای عمومی و برخورد

۱ اندیشه سیاسی شهید مطهری: دولت و حکومت در اسلام (قسمت سوم) که به دلیل عدم دسترسی به صفحه دسترسی آنلاین به مطلب مورد نظر ذکر می شود:

<https://hawzah.net/fa/Magazine/View/4385/6085/63795>

صحیح با پیامدها و آثار جانبی و خارجی)، تثبیت اقتصاد (کاهش تورم و بیکاری، افزایش حقیقی تولید و حرکت به سمت تراز اقتصادی نسبتاً متوازن)، تلاش برای توزیع عادلانه درآمدها و ثروت ها (تامین اجتماعی) اصل کفالت عمومی و حق جامعه در درآمدهای دولت و توازن اجتماعی (۱- طریق سلبی) منع از احتکار و انحصار و تمرکز ثروت (۲- طریق ایجابی) با نزدیک کردن بین سطوح زندگی گروه های سه گانه جامعه)) (دادگر و همکارش، ۱۳۸۰، ۱۷۰-۱۶۸)، تضمین و تعیین حداقل و حداکثر تولید کالاهای ضروری و تعیین اهداف کلی سیاست رشد اقتصادی، کنترل و نظارت بر بخش اول اقتصاد کشور (تولید مواد اولیه طبیعی، کشاورزی و معادن)، و از این طریق بر بخش دوم و سوم اقتصاد کشور یعنی صنعت و خدمات، دخالت مسئولانه در بازارهای کالا، خدمات، سرمایه و ... به منظور حفظ قیمت مبادله ای حقیقی، از طریق مبارزه با انحصار در تمام میادین زندگی اقتصادی و بهره برداری از تمامی امکانات و منابع موجود به نفع بخش عمومی از طریق وضع سیاست کلان رشد و توسعه اقتصادی (جهانیان، ۱۳۸۰، ۱۵۲-۱۴۸)، را از جمله مسئولیت های اقتصادی دولت عنوان می نماید.

اختیارات دولت در زمینه های اقتصادی. دولت نقش مهمی در اقتصاد دارد، حیطه اصلی اختیارات و دخالت دولت در اقتصاد منطقه الفراغ^۱ است که صدر در قسمت های آغازین اقتصادنا آن را به تفصیل شرح داده است. در این منطقه خلا، حاکم به دلیل اینکه ولی امر است، به اقدامات اقتصادی دست می زند تا تامین اجتماعی و توازن اجتماعی بخشد. هدف و فلسفه دخالت دولت در اقتصاد تضمین از بین بردن تفاوت ها و فاصله های عمیق اقتصادی و اجتماعی است. دخالت دولت باعث می شود تا تضادها و فاصله های اجتماعی به اندازه ای شدید نشود که موجب انحصار ثروت در دست اغنیا شود. منطقه الفراغ که گویی حوزه اختیارات دولت در حیطه اقتصاد و اجتماع است باید چنان منعطف باشد که اسلام فرصت پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و حل مشکلات اقتصادی را داشته باشد (صدر، ۱۳۸۶).

حدود دخالت دولت در فعالیت های بخش خصوصی. صدر دخالت مسئولانه دولت در بازار و فعالیت های بخش خصوصی را به این دلیل که مشکلات ناشی از پول در کنار سایر عوامل برهم زننده وضع طبیعی بازارها، جریان مبادله را نا متعادل می کند می پذیرد. وی این دخالت دولت را از سه طریق، غیر مجاز بودن رکود در مبادلات (سیاست اقتصادی دولت اسلامی باید به گونه ای تنظیم شود که جریان مبادلات به رکود و کساد تبدیل نشود)، تحریم ربا و تحریم نقش زایش خود به خودی پول و کنترل همه جانبه دولت بر جریان مبادله و نظارت بر بازارها برای از بین بردن زمینه انحصار و احتکار و تسلط نامشروع فردی بر بازارها، امکان پذیر عنوان می کند (جهانیان، ۱۳۸۰، ۱۵۴).

۱ منطقه الفراغ به معنای قلمروی از دین است که حکم شرعی معینی ندارد. طبق نظریه منطقه الفراغ، دین در برخی مسائل اجتماعی، حکمی صادر نکرده و به حاکم اسلامی اجازه داده است که با در نظر گرفتن ضوابطی و با توجه به نیازهای هر زمان، حکم و قانون وضع کند.

۲ به دلیل عدم دسترسی به اصل منبع دسترسی آنلاین آن ذکر می گردد:

<https://ensani.ir/fa/article/63557>

۵. اقتصاد دولت در قرآن کریم (یافته های قرآنی)

نکته ای که در ارتباط با بحث دولت در قرآن کریم وجود دارد، این مساله است که در قرآن کریم صراحتاً به بحث دولت پرداخته نشده است. درواقع در آیات قرآن نمی‌توان تعریف صریحی از دولت و نقش آن در حیطه اقتصاد یافت، ولی می‌توان از برخی آیات در این زمینه به استنباط‌ها و برداشت‌هایی در این ارتباط دست یافت.

در آیه ۲۶ سوره آل عمران^۱، بگو ((ای پیامبر) بارالها ای خدای ملك هستی، به هر کس بخواهی ملك و سلطنت می‌دهی و از هر کس بخواهی می‌گیری و به هر کس بخواهی عزت و اقتدار می‌بخشی و هر که را بخواهی خوار می‌کنی، خدایا هر خیر و نیکی بدست تو است و تو بر هر چیزی توانایی)، ملك به ضم میم، که عبارت از سلطنت بر افراد باشد، از اعتبارات ضروریه ای است که انسان از آن بی نیاز نیست. در آیه ۲۵۱ سوره بقره^۲، (پس به خواست خدا شکستشان دادند و داود جالوت را بکشت و خدایش پادشاهی و فرزاندی بداد و آنچه می‌خواست به او بیاموخت اگر بعض مردم را به بعضی دیگر دفع نمی‌کرد زمین تباه می‌شد ولی خدا با اهل جهان صاحب کرم است)، نوع بشر بدون اجتماع و همکاری به سعادت کامل خود نمی‌رسد و در حقیقت معنای دفع و غلبه یک معنای عامی است که در همه شئون اجتماعی جریان دارد و درواقع بر این اساس تشکیل دولت اسلامی را می‌توان برداشت نمود. آیات ۱۲۴ سوره انبیا و ۵۴ سوره نور نیز چنین مفهومی را بیان می‌کنند. کلمات ملك و ملك ناظر بر مولفه حکم در مفهوم دولت می‌باشند که آیات (اسراء، ۱۰۰)، (بقره، ۱۰۲)، (مائده، ۴۰)، (نور، ۴۲)، (زمر، ۶)، (شوری، ۴۹)، (فتح، ۱۴)، (جاثیه، ۲۷)، (حدید، ۵)، (طه، ۱۱۴)، (مومنون، ۱۶)، (ناس، ۱-۳)، (فرقان، ۲)، (آل عمران، ۲۶)، (یوسف، ۱۰۱) و (یس، ۸۳)، از جمله آیاتی هستند که به این جنبه از مفهوم دولت اشاره ای داشته اند. همانطور که بیان نمودیم کلمه حکم یکی از صریح ترین کلمات قرآنی مرتبط با مفهوم دولت در قرآن کریم است که آیات (هود، ۱)، (انعام، ۶۲)، (مومن، ۱۲)، (انعام، ۵۷)، (یوسف، ۶۷)، (ص، ۲۶)، (مائده، ۴۸)، (یونس، ۳۲)، (مجادله، ۲۱)، و (نساء، ۱۳۹)، از جمله آیاتی هستند که به این جنبه از مفهوم دولت اشاره ای داشته اند. یکی دیگر از عناصر مفهوم دولت کلمه امر است که در دو معنا به کار رفته است، اول به معنای کار و موضوع که جمع آن امور است و دوم به معنای دستور و فرمان و جمع آن اوامر است و در قرآن کریم هر دو برای خداوند متعال اختصاص دارند که آیات (یونس، ۳)، (هود، ۱۲۳)، (رعد، ۲)، (روم، ۲۵)، (سجده، ۵)، (طلاق، ۱۲)، (احزاب، ۳۶ و ۳۸) و (حجرات، ۷)، از جمله آیاتی هستند که به این جنبه از مفهوم دولت اشاره ای داشته اند. قدرت ((اعراف، ۱۴۵)، (اعراف، ۱۷۱)، (ص، ۲۰)، (قصص، ۳۵)، (مجادله، ۲۱)، (صافات، ۱۷۳-۱۷۲))، و قلمرو و جمعیت ((ابراهیم، ۱۴-۱۳)، (حج، ۴۱)، (نور، ۵۵)، (کهف، ۸۴)، (یوسف، ۵۶)، (قصص، ۶)، (نساء، ۸۰)، (آل عمران، ۱۴۴)، (بقره، ۱۲۴)، (مائده، ۴۴)، (آل عمران، ۵۹)، (مائده، ۵۵))، نیز دو رکن اصلی از ارکان دولت هستند که می‌شود از آیات مذکور برداشت‌هایی راجع به ماهیت دولت در قرآن کریم داشت.

۱ قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُوتِي الْمَلِكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنَزِعُ الْمَلِكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَبِيرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

۲ فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَءَاتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ.

وظایف دولت در زمینه های اقتصادی. قرآن کریم لزوم دخالت دولت در سیاستگذاری اقتصادی (نساء، ۵۹)^۱، هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید، و رسول و کارداران خود را - که خدا و رسول علامت و معیار ولایت آنان را معین کرده - فرمان ببرید، و هر گاه در امری اختلافتان شد برای حل آن به خدا و رسول مراجعه کنید، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید این برایتان بهتر، و سرانجامش نیکوتر است، و کشاورزی و توسعه و برنامه ریزی در این زمینه (اعراف، ۱۰۲)^۲ ما شما را در زمین جای دادیم و در آنجا برای شما وسائل زندگی قرار دادیم ولی سپاسی که می‌دارید اندک است، (هود، ۶۱۳)^۳ و بسوی (قوم) نمود برادرشان صالح را فرستادیم او نیز به قوم خود گفت: ای مردم! خدا را بپرستید که جز او معبودی ندارید، او است که شما را از زمین (از مواد زمینی) ایجاد کرد و با تربیت تدریجی و هدایت فطری به کمالتان رسانید، تا با تصرف در زمین آن را قابل بهره‌برداری کنید، پس، از او آمرزش بخواهید و سپس به سوی باز گردید که پروردگار من نزدیک و اجابت کننده (دعایان) است، (یوسف، ۴۹-۴۷)^۴ گفت هفت سال پیاپی کشت می‌کنید، هر چه درو کردید آن را جز اندکی که می‌خورید در خوشه گذارید، آن گاه از پی این سالها هفت سال سخت بیاید که آنچه از پیش برای آن نهاده‌اید مگر اندکی که محفوظ دارید به مصرف می‌رسانید، عاقبت از پی این سالها سالی بیاید که در اثنای آن، باران زیادی نصیب مردم شود و در آن سال مردم عصیر (میوه‌ها و دانه‌های روغنی) می‌گیرند، را از جمله وظایف دولت در زمینه فعالیت های اقتصادی می‌داند.

اختیارات دولت در زمینه های اقتصادی. اداره و مدیریت اقتصادی برخی اموال: در مواردی که (مالکی برای اموال وجود نداشته باشد، اموالی که وارث ندارند، اموال مازاد بر اموالی که افراد دارند و دیگر کسی نیست که مالک آنها باشد و نیز يك پنجم سود اشخاص)، آیه ۱ سوره انفال: از تو از انفال پرسش می‌کنند، بگو انفال مال خدا و رسول است. پس از خدا بترسید و میان خود صلح برقرار سازید و خدا و رسول او را اطاعت کنید، اگر با ایمان هستید^۵. آیه ۴۱ سوره انفال: بدانید هر آنچه را که غنیمت و فایده می‌برید، پنج يك آن برای خداست و برای رسول و خویشاوند او و یتیمان و مسکینان و در راهماندگان، اگر به خدا و آنچه را که در روز فرقان روزی که دو گروه یکدیگر را ملاقات کردند بر بندهمان نازل کردیم ایمان آورده‌اید و خداوند بر هر چیز توانا است^۶، مالیات های اسلامی از جمله زکات: (بقره، ۴۳)، (نساء، ۷۷)، (مائده، ۱۲)، (اعراف، ۱۵۶)، (توبه، ۷۱)، (مریم، ۵۴)، خمس (انفال، ۴۱)، جزیه (بقره، ۸۵)،

۱-يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَزَّعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا.

۲-وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ.

۳-وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَقُومِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ ثُبُّوا إِلَيْهِ إِنْ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

۴-قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلَةٍ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ، ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تُحْصِنُونَ، ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْرِضُونَ.

۵-يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلَحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

۶-وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقِي الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

(نساء، ۹۲)، و (محمد، ۴)، و **عدم انحصار و تراکم ثروت**: کنز (معارج، ۱۵)، (همزه، ۱)، تکاثر (تکاثر، ۱)، (حشر، ۷)، ماعون (ماعون، ۴)، از جمله اختیارات دولت اسلامی در زمینه فعالیت های اقتصادی می باشند.

حدود دخالت دولت در فعالیت های بخش خصوصی. قمار و شراب: آیه ۲۱۹ سوره بقره^۱ (از تو حکم شراب و قمار را می پرسند بگو در آن دو گناهی است بزرگ و منافعی است برای مردم اما اثر سوء آن دو در دلها بیش از منافع صوری آنها است و نیز از تو می پرسند چه تعداد اتفاق کنند؟ بگو حد متوسط را خدا اینچنین آیات را برایتان بیان می کند تا شاید تفکر کنید)، ربا: آیه ۱۳۰ سوره آل عمران^۲ (ای کسانی که به دین اسلام گرویده اید ربا مخورید که دائم سود بر سرمایه افزانید تا چند برابر شود و از خدا بترسید و این عمل زشت را ترک کنید، باشد که سعادت و رستگاری یابید)، **کم فروشی (اخلاق کسب و کار)**: آیه ۱ سوره مطففین^۳ (وای بر کم فروشان)، **رشوه (اخلاق کسب و کار)**: آیه ۴۲ سوره مائده^۴ (گوش اینان خریدار دروغ و هوششان خوردن مالی است که دین و مروتشان را تباه می کند، پس اگر اینان نزدت آمدند مخیری در اینکه بین آنان حکم بکنی و یا از آنان اعراض نمایی و در صورتی که مصلحت را در اعراض دیدی بیمی از آنان به خود راه مده که هیچ ضرری به تو نمی رسانند و اگر مصلحت دیدی که حکم کنی به عدل حکم کن که خدا عدالت پیشه گان را دوست می دارد)، **فعالیت اقتصادی از طریق آلات لهو و لعب (اخلاق کسب و کار)**: آیه ۶ سوره لقمان^۵ (بعضی از مردم گفتار بازیچه را می خرنند، تا بدون علم مردم را از راه خدا گمراه کنند، و راه خدا را مسخره گیرند، آنان عذابی خفت آور دارند)، **فعالیت از طریق کتب ضلال و هر وسیله گمراه کننده (اخلاق کسب و کار)**: آیه ۳۰ سوره حج^۶ (آری این چنین، و هر کس حرمت یافتگان خدای را بزرگ بدارد همان برای او نزد پروردگارشان عمل نیکی محسوب می شود، و خدا چارپایان را بر شما حلال کرده مگر آنچه که برایتان خوانده شود. پس، از پلیدی بت ها کنارگیری کنید و از گفتار دروغ اجتناب ورزید)، **تلقی رکیان** (استقبال شهروندان از کاروانهای تجاری در بیرون شهر را تلقی رکیان گویند از این عنوان در باب تجارت سخن رفته است که به صورت مستقیم در این ارتباط در قرآن کریم، آیه ای ذکر نشده است ولی در قالب بحث های تجارت به صورت غیر مستقیم اشاراتی شده است)، **احتکار (اخلاق کسب و کار)**: (در امر احتکار که معنی اش ذخیره ارزاق و حبس آنها به انتظار افزایش قیمت است، آیه صریحی یافت نمی شود. لکن عوماتی در قرآن وجود دارد که محتکران مصادیق آنها هستند که از جمله آن آیات، آیه ۱۶۱ سوره آل عمران می باشد)، **معاملات و قرار**

۱ یَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْغَفْوُ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ.

۲ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ الَّتِي رَزَقُوا مِنْهُ مِثْلَ ضَلَالٍ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.

۳ وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ.

۴ سَمِعْتُمْ لَكَذِبٍ أَكُلُوا لِّلْسُحْتٍ فَإِنْ جَاءَكُمْ مِنْهُمُ أَوْ أَعْرَضَ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَصُرُوا بِكُمْ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.

۵ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ.

۶ ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ خُرْمَتُ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأَجَلْتُ لَكُمْ الْأَنْعَمَ إِلَّا مَا يَنْتَلِي عَلَيْكُمْ فَأَجْنِبُوا أَلْرَّجَسَ مِنَ الْأَوْنِ وَأَجْنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ.

دادهای باطل: آیه ۱۸۸ سوره بقره^۱ (و اموال خود را در بین خود به باطل مخورید و برای خوردن مال مردم قسمتی از آن را به طرف حکام به رشوه و گناه سرازیر ننمائید با اینکه می‌دانید که این عمل حرام است)، از جمله موارد دخالت دولت اسلامی در فعالیت های بخش خصوصی از منظر قرآن کریم است، که دولت وظیفه نظارت، مدیریت و برنامه ریزی در این حوزه ها را دارد، و جز موارد مذکور، دولت حق ورود و دخالت در فعالیت های اقتصادی بخش خصوصی را نخواهد داشت.

۶. تحلیل تطبیقی و بحث

اگر بخواهیم یک تحلیل تطبیقی در ارتباط با ابعاد اقتصاد دولت داشته باشیم، می‌توان درباره وظایف دولت در زمینه اقتصادی گفت: که، محمد حسینی بهشتی و محمد باقر صدر بیشترین وظایف اقتصادی را نیز برای دولت در نظر گرفته اند، در صورتی که ابن خلدون با رعایت وضعیت رقابت در بازارها، یک نقش ورای دخالت در نظم طبیعی بازارها و در قالب سیاست های مالیاتی^۲ و مخارج دولت برای دولت اسلامی در نظر گرفته است. مرتضی مطهری در مطالب مربوط به خود بیشترین مسئولیت های دولت اسلامی را تحت عنوان اختیارات دولت اسلامی آورده است، البته باید این نکته را متذکر شد که وی دولت را سیاستگذار اصلی در نظام اقتصادی معرفی نموده است. قرآن کریم در متن آیات خود مستقیماً و صراحتاً به مساله دولت و نقش آن در امور اقتصادی توجه نکرده است اما، با برداشت غیر مستقیم از برخی از آیات، می‌توان گفت که قرآن کریم لزوم دخالت دولت در سیاستگذاری کشاورزی، توسعه و برنامه ریزی در این زمینه ((اعراف، ۱۰)، (هود، ۶۱)، (یوسف، ۴۹-۴۷))، را به عنوان وظایف دولت در فعالیت های اقتصادی پذیرفته است.

درباره اختیارات دولت در زمینه های اقتصادی، محمد حسینی بهشتی، مرتضی مطهری و محمد باقر صدر حوزه اختیارات قابل توجهی (بهشتی : قبول مسئولیت در حوزه های درآمد، سرمایه گذاری، ایجاد اشتغال، مطهری: سیاستگذاری در جهت اهداف نظام اقتصاد اسلامی، صدر: توازن و تامین اجتماعی تحت حوزه منطقه الفراغ)، برای دولت در نظر گرفته اند. در صورتی که ابن خلدون با دخالت مستقیم دولت به دلیل اضرار به بخش خصوصی و اختلال در رقابت مخالف است، و تنها نقشی که برای دولت قائل است یک دستگاه نظارتی قوی است. قرآن کریم نیز حقی برای دخالت دولت اسلامی در فعالیت های اقتصادی طبق متن صریح آیات، جز در موارد استثنا (اداره و مدیریت اقتصادی برخی اموال : در مواردی که (مالکی برای اموال وجود نداشته باشد، اموالی که وارث ندارند، اموال مازاد بر اموالی که افراد دارند و دیگر کسی نیست که مالک آنها باشد و نیز يك پنجم سود اشخاص)، مالیات های اسلامی از جمله زکات: (بقره، ۴۳)، (نساء، ۷۷)، (مائدة، ۱۲)، (اعراف، ۱۵۶)، (توبه، ۷۱)، (مریم، ۵۴)، خمس

۱ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ.

۲ باید این نکته را متذکر شد ابن خلدون وضع مالیات و سیاست های مالیاتی را جز وظایف اقتصادی دولت صورت بندی نظری کرده است در صورتی که محمد حسینی بهشتی جمع و وضع مالیات را در حوزه اختیارات دولت در فعالیت های اقتصادی طبقه بندی نموده است و این بررسی جهت رعایت امانت همه مطالب را همانطور که بوده است، نقل کرده است.

(انفال، ۴۱)، جزیه (بقره، ۸۵)، (نساء، ۹۲)، و (محمد، ۴)، عدم انحصار و تراکم ثروت: کنز (معارج، ۱۵)، (همزه، ۱)، تکاثر (تکاثر، ۱)، (حشر، ۷)، ماعون (ماعون، ۴)، قائل نشده است.

درباره حدود دخالت دولت در فعالیت بخش خصوصی، محمد حسینی بهشتی، مرتضی مطهری و محمد باقر صدر بیشترین دخالت دولت در فعالیت بخش خصوصی (بهشتی: نرخ گذاری هدایت شده و اقتصاد هدایت شده در چارچوب مصلحت، مطهری: دخالت دولت در جریان کلی اقتصاد و پذیرفتن تمرکز در تصمیم گیری، صدر: دخالت مسئولانه دولت در بازار و فعالیت بخش خصوصی به دلیل مشکلات ناشی از پول و عوامل برهم زننده تعادل طبیعی بازارها تحت سه محور غیرمجاز بودن رکود مبادلات، تحریم ربا و نظارت بر بازار جهت از بین بردن انحصار و احتکار)، را پذیرفته اند، در صورتی که ابن خلدون، با دخالت دولت در فعالیت های بخش خصوصی کاملاً مخالف است و تنها نقش تنظیم کننده جریان کلی اقتصاد را برای دولت می پذیرد. قرآن کریم نیز جز در موارد استثنا (قمار و شراب: آیه ۲۱۹ سوره بقره، کم فروشی (اخلاق کسب و کار): آیه ۱ سوره مطففین، رشوه (اخلاق کسب و کار): آیه ۴۲ سوره مائده، فعالیت اقتصادی از طریق آلات لهو و لعب (اخلاق کسب و کار): آیه ۶ سوره لقمان، فعالیت از طریق کتب ضلال و هر وسیله گمراه کننده (اخلاق کسب و کار): آیه ۳۰ سوره حج، احتکار (اخلاق کسب و کار): آیه ۱۶۱ سوره آل عمران، و معاملات و قرار دادهای باطل: آیه ۱۸۸ سوره بقره)، که می توان برای دولت نقش مدیریتی و برنامه ریز، قائل شد، دخالت دولت را در فعالیت های بخش خصوصی نمی پذیرد.

درباره علت ناکارآمدی دولت، محمد حسینی بهشتی دولت متمرکز و تمرکز مدیریتی، ابن خلدون ورود به فعالیت های اقتصادی و عدم کنترل هزینه ها و مخارج دولتی و مطهری نیز جدایی حکومت از مردم، سرکوب در همه ابعاد، تبعیض و بی عدالتی، غفلت از معنویت را از جمله دلایل یک دولت ناکارآمد عنوان می کنند، محمد باقر صدر و قرآن کریم، در این ارتباط نیز موضوعی عنوان ننموده اند.

بر این پایه می توان دریافت که این اندیشمندان مسلمان با بیان نگاه شخصی (در ارتباط با بحث دولت و نقش آن در حیطه نظام اقتصادی)، به نام دیدگاه اسلام، موجب ایجاد برداشت های متفاوتی نسبت به قرآن شده اند. این مقایسه تطبیقی تا حد زیادی اختلاف این دیدگاه ها را با قرآن روشن می کند.

جدول ۱. تطبیق دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان با قرآن

دیدگاه	سید محمد حسینی بهشتی	ابن خلدون	مرتضی مطهری	سید محمد باقر صدر	قرآن کریم
وظایف دولت در زمینه های اقتصادی	تامین نیاز مادی تامین مسکن تامین ابزار کار و سرمایه سرمايه گذاري در بخش های کلان اقتصاد نظارت بر جریان کلی اقتصاد	ایفای نقش دولت از طریق کالا و خدمات سیاست های مالیاتی هزینه ها و مخارج دولتی	*۱	تطبیق عناصر ثابت اقتصادی و تعیین عناصر متغیر هماهنگ با شاخص های کلی (تلاش برای تخصیص بهینه منابع، تلاش برای توزیع عادلانه ثروت و درآمدها (توازن و تامین اجتماعی)، تعیین و تضمین حداقل و حداکثر تولید کالاهای ضروری و تعیین اهداف کلی سیاست (رشد اقتصادی)	لزوم دخالت دولت در سیاستگذاری کشورزی، توسعه و برنامه ریزی در این زمینه
اختیارات دولت در زمینه های اقتصادی	جمع و وضع مالیات هزینه های عمومی به منظور اشتغال کامل درآمد، سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال	مخالف دخالت مستقیم دولت در فعالیت های اقتصادی با تاکید بر دستگاه نظارتی قوی	سیاستگذاری در جهت اهداف نظام اقتصاد اسلامی وضع مالیات بهره برداری از زمین های عمومی اداره انقال	تامین اجتماعی و توزان اجتماعی در حوزه منطقه الفراغ	اداره و مدیریت اقتصادی برخی از اموال مالیات های اسلامی از جمله خمس و زکات عدم انحصار ثروت
حدود دخالت دولت در فعالیت بخش خصوصی	نرخ گذاری هدایت شده و اقتصاد هدایت شده در چارچوب مصلحت	نقش تنظیم کننده جهت جریان کلی اقتصاد	مطهری دخالت دولت در جریان کلی اقتصاد و فعالیت بخش خصوصی را می پذیرد و حتی تمرکز در تصمیم گیری را لازمه می داند.	دخالت مسئولانه دولت در بازار و فعالیت بخش خصوصی به دلیل مشکلات ناشی از پول و عوامل برهم زننده تعادل طبیعی بازارها تحت سه محور غیرمجاز بودن رکود مبادلات، تحریم ربا و نظارت بر بازار جهت از بین بردن انحصار و احتکار	قمار و شراب کم فروشی (اخلاق کسب و کار) رشوه (اخلاق کسب و کار) فعالیت اقتصادی از طریق آلات لهر و لعب فعالیت از طریق کتب ضلال و هر وسیله گمراه کننده (اخلاق کسب و کار) تلقی رکیان احتکار معاملات و قراردادهای باطل
علت ناکارآمدی دولت	دولت متمرکز و تمرکز مدیریتی	ورود به فعالیت های اقتصادی و عدم کنترل هزینه ها و مخارج دولتی	جدایی حکومت از مردم سرکوب آزادی در همه ابعاد تبعیض و بی عدالتی غفلت از معنویت	*۲	*۳

منبع: یافته های پژوهش

- ۱ منظور از * این می باشد که در این مورد بحث روشنی یافت نشده است.
 ۲ منظور از * این می باشد که در این مورد بحث روشنی یافت نشده است.
 ۳ منظور از * این می باشد که در این مورد بحث روشنی یافت نشده است.

۷. جمع‌بندی

هدف این بررسی، تطبیق دیدگاه‌های چهار اندیشمند مسلمان با قرآن در زمینه اقتصاد دولت است. اگرچه منابع متعددی به این موضوع پرداخته‌اند، اما پرسش اساسی این است که آیا این دیدگاه‌ها با قرآن هماهنگ هستند؟ اختلاف نظر میان این اندیشمندان نشان می‌دهد که همه آنها نمی‌توانند صحیح باشند؛ از این‌رو دیدگاه‌های ایشان در چهار بُعد اقتصاد دولت (وظایف، اختیارات، حدود دخالت در بخش خصوصی و علت ناکارآمدی دولت) استخراج و با نص آیات قرآن تطبیق داده شده است. یافته‌های این تطبیق، به‌صورت دسته‌بندی‌شده در این چهار بُعد ارائه شده است.

در بُعد وظایف اقتصادی دولت، قرآن کریم تصریح روشنی ندارد و نمی‌توان تعریف شفافی از دولت و نقش آن در اقتصاد از آیات استخراج کرد؛ هرچند از برخی آیات می‌توان برداشت کرد که دولت وظایفی مانند سیاست‌گذاری کلی را بر عهده دارد. در این زمینه، اندیشمندان مسلمان وظایفی را برشمرده‌اند: بهشتی (تأمین نیازهای مادی، مسکن، ابزار کار و سرمایه، سرمایه‌گذاری کلان و نظارت بر جریان اقتصاد)، ابن‌خلدون (سیاست‌های مالیاتی و هزینه‌ای دولت) و صدر (تخصیص منابع، توزیع عادلانه ثروت و درآمد، تعیین حداقل و حداکثر تولید کالاهای ضروری و تعیین اهداف کلی رشد اقتصادی). نکته برجسته این است که برخی از این اندیشمندان صراحتاً برای دولت وظیفه دخالت در اقتصاد قائل‌اند، در حالی که قرآن چنین موضوعی را به‌صورت مستقیم و شفاف مطرح نکرده است.

در بُعد اختیارات اقتصادی دولت، قرآن کریم جز در موارد خاص (مالکی برای اموال وجود نداشته باشد، اموالی که وارث ندارند، اموال مازاد بر اموالی که افراد دارند و دیگر کسی نیست که مالک آنها باشد و نیز خمس و مالیات‌های مختلف: کنز (معارج، ۱۵)، (همزه، ۱)، تکاثر (تکاثر، ۱)، (حشر، ۷)، و (ماعون، ۴)) اختیاری برای دخالت دولت در اقتصاد قائل نشده است. در مقابل، چهار اندیشمند منتخب اختیارات گسترده‌تری برای دولت برشمرده‌اند: بهشتی (جمع و وضع مالیات، هزینه‌های عمومی، اشتغال‌زایی)، ابن‌خلدون (مخالف دخالت مستقیم و طرفدار نظارت قوی)، مطهری (سیاست‌گذاری برای اهداف نظام اسلامی) و صدر (مالیات، بهره‌برداری از زمین‌های عمومی، اداره انفال، تأمین و توازن اجتماعی در منطقه‌الفراغ). در این میان، دیدگاه ابن‌خلدون به متن صریح قرآن نزدیک‌تر است. همچنین شایان ذکر است که ابن‌خلدون مالیات را در حوزه وظایف دولت قرار داده، در حالی که بهشتی آن را در حوزه اختیارات طبقه‌بندی کرده است؛ این بررسی به جهت رعایت امانت، همه مطالب را همانطور که بوده و با همان طبقه‌بندی، بیان کرده است.

در بُعد حدود دخالت دولت در فعالیت بخش خصوصی (تصدیگری)، قرآن کریم جز در موارد استثنایی که نقش مدیریتی و سیاست‌گذاری برای دولت قابل‌تصور است، دخالت در بخش خصوصی را نمی‌پذیرد. در مقابل، بهشتی قائل به نرخ‌گذاری هدایت‌شده و اقتصاد هدایت‌شده در چارچوب مصلحت است؛ مطهری دخالت دولت در جریان کلی اقتصاد و بخش خصوصی را می‌پذیرد و تمرکز در تصمیم‌گیری را لازم می‌داند؛ و صدر دخالت مسئولانه دولت در بازار را به دلیل مشکلات پولی و عوامل برهم‌زننده تعادل طبیعی (شامل ممنوعیت رکود مبادلات، تحریم ربا و نظارت بر بازار برای رفع انحصار و احتکار) مجاز می‌شمارد. در این میان، ابن‌خلدون مخالف دخالت دولت در بخش خصوصی است و تنها نقش تنظیم‌گری

جریان کلی اقتصاد را برای آن می‌پذیرد؛ از این رو دیدگاه او در این زمینه به قرآن نزدیکتر از سایر اندیشمندان است.

درباره علت ناکارآمدی دولت، بهشتی دولت متمرکز، ابن خلدون ورود به فعالیت های اقتصادی و عدم کنترل مخارج دولت و مطهری نیز جدایی حکومت از مردم، سرکوب در همه ابعاد، تبعیض و بی عدالتی و غفلت از معنویت را از جمله دلایل نارسایی دولت بیان می کنند، صدر در این زمینه نکته ای بیان نکرده است. در قرآن نیز نمی‌توان به طور مشخص در زمینه اقتصادی نکته روشنی در این زمینه یافت.

هر چهار اندیشمند، دیدگاه خود را درباره اقتصاد دولت به‌عنوان دیدگاه اسلام مطرح کرده‌اند، اما در ابعادی با یکدیگر اختلاف دارند. برای طرح هر مسئله از نگاه اسلام، بهتر است مستقیماً به قرآن مراجعه شود؛ بنابراین قرآن بر دیدگاه اندیشمندان مقدم است و تنها در صورت هماهنگی با قرآن، می‌توان به دیدگاه آنان برچسب «اسلامی» زد. در زمینه اقتصاد دولت، قرآن کریم هیچ اشاره‌ای به مفهوم امروزی دولت و نظام حکومتی نهادین و ساختاریافته ندارد و هرگونه اشاره به حاکمیت، معطوف به شخص حاکم و نقش و وظایف اوست. در حوزه نظام اجتماعی، قرآن قواعدی فرهنگی، سنتی و رابطه‌ای را بر اساس فرهنگ موجود جامعه ترسیم کرده، برای نمونه در موضوع مالیات، به پرداخت زکات دستور داده است؛ در حالی که برخی صاحب‌نظران صرفاً برداشت‌های شخصی خود را متناسب با شرایط زمانی خویش بیان کرده و گاه در تبیین دیدگاه هایشان، از حکومت‌های صدر اسلام به عنوان الگو بهره گرفته‌اند.



منابع

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۲)، مقدمه، ترجمه: محمد پروین گنابادی، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
۲. اخوان، حمید (۱۳۷۸)، ابن خلدون و حدود دخالت دولت در اقتصاد، مقایسه با آرای اسمیت، مجله برنامه و بودجه، شماره ۴۶ و ۴۷، صص ۷۳-۱۰۳.
۳. تقوی، محمد آصف و علی جابری (۱۳۹۹)، بررسی قلمرو دخالت حکومت اسلامی در اقتصاد، فصلنامه حکومت اسلامی، سال ۲۵، شماره ۳، صص ۱۵۸-۱۲۷.
۴. جهانیان، ناصر (۱۳۸۰)، جایگاه دولت در اقتصاد اسلامی، نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۱، صص ۱۵۸-۱۲۹.
۵. جهانیان، ناصر (۱۳۸۹)، معیارهای دخالت دولت اسلامی در اقتصاد، فصلنامه حکومت اسلامی، سال ۱۵، شماره ۱۵، صص ۷۹-۱۰۸.
۶. جوده السحار، عبدالحمید (۱۳۵۷) مبانی اقتصاد در اسلام، ترجمه: محمد تقی شیرازی، انتشارات سلمان.
۷. حاج کاظمی، زهرا و مهدی اسماعیلی (۱۴۰۱)، نقش دولت در تحقق عدالت اقتصادی بر اساس آموزه های قرآنی، نشریه دولت پژوهی ایران معاصر، سال ۸، شماره ۲، صص ۱۷۶-۱۵۸.
۸. حسینی بهشتی، محمد حسین، گزارش صورت مشروح مذاکرات مجلس (۱۳۶۴)، بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی در ۴ جلد، چاپ اول.
۹. حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۰)، گفتارهای ۲ (جاودانه تاریخ)، تهران: انتشارات جمهوری اسلامی.
۱۰. حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۷)، بانکداری ربا و قوانین مالی اسلام، چاپ دوم، بنیاد نشر و آثار و اندیشه های شهید آیت الله دکتر بهشتی.
۱۱. حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۸)، حزب جمهوری اسلامی: مواضع تفضیلی، تهران: نشر بقیه.
۱۲. حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۴)، شناخت اسلام، تهران: نشر روزنه.
۱۳. حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۶)، سخنرانی ها و مصاحبه های آیت الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۴. حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۷ الف)، ولایت، رهبری، روحانیت، چاپ چهارم، تهران: نشر روزنه.
۱۵. حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۷ ب)، بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام، تهران: نشر روزنه.
۱۶. خداپرست مشهدی، مهدی، نظری، روح الله و بهرام فتحی (۱۳۹۰)، دخالت دولت در اقتصاد از منظر اندیشمندان مسلمان، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، سال ۶، شماره ۲۰، صص ۵۴-۹۷.
۱۷. دادگر، بدانه و سید محمد باقر نجفی (۱۳۸۰)، مبانی فقهی پیشرفته اقتصاد اسلامی (تحلیل و تلخیص کتاب اقتصادنا)، چاپ اول، دانشگاه رازی: ناشر نجبا.
۱۸. دهش ور، مسعود، مقدسی، محمود و حمیدرضا شیرازی (۱۳۶۶)، طرح و مبانی اقتصاد در قرآن، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار.

۱۹. رفیعی آتانی، عطا الله (۱۳۸۶)، جایگاه دولت در نظام اقتصادی اسلام، نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۸، صص ۳۷-۵۹.
۲۰. رضایی، مجید (۱۳۸۳)، جایگاه نهاد دولت در عرصه اقتصاد، نشریه اقتصاد اسلامی، سال ۴، صص ۳۹-۶۴.
۲۱. رنجبر، مقصود، اندیشه سیاسی شهید مطهری، دولت و حکومت در اسلام، قسمت سوم (دریافت آنلاین).
۲۲. زراء نژاد، منصور (۱۳۸۳)، دخالت دولت در نظام اقتصادی از دیدگاه نظام اقتصادی اسلام، نشریه اقتصاد مقداری، دوره اول، صص ۷-۲۲.
۲۳. صادقی شاهدانی، مهدی (۱۳۹۶)، تحلیل وظایف دولت در قبال مسئله عدالت از منظر قرآن و حدیث، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، سال ۱۱، شماره ۱، صص ۸۵-۶۵.
۲۴. صدر، سید محمد باقر (۱۳۸۶)، تاملی بر اقتصاد اسلامی در اندیشه شهید محمدباقر صدر، شماره ۲۰۵، پگاه حوزه (دریافت آنلاین از <https://ensani.ir/fa/article/63557>).
۲۵. فراز مند، حسن، فرزاد جمالی، ابراهیم نوری و سید امین منصوری (۱۴۰۴) ارتباط بین اندازه های دولت و کارایی هزینه های عمومی در ایران، مطالعات اقتصاد بخش عمومی، شماره ۱۳، صص ۴۷۱-۵۰۰.
۲۶. قحف، منذر (۱۳۸۴)، دین و اقتصاد، نظام اقتصادی اسلام و علم تحلیل اقتصاد اسلامی، نشریه اقتصاد اسلامی، ترجمه: سید حسین میر معزی، شماره ۱۸، صص ۱۷۸-۱۵۷.
۲۷. قحف، منذر (۱۳۸۵)، مرور بر الگوهای اقتصاد اسلامی، ترجمه: سید حسین میرمعزی، نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۱، صص ۱۵۷-۱۸۸.
۲۸. مالک، محمدرضا (۱۳۸۲)، وظایف و مسئولیت های دولت اسلامی در اقتصاد، نشریه اقتصاد اسلامی، سال ۳، صص ۶۸-۳۷.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۶۳)، نقدی بر مارکسیسم، چاپ اول، قم: انتشارات صدرا.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، نظری به نظام اقتصادی اسلام، چاپ اول، قم: انتشارات صدرا.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲ الف)، مساله ربا به ضمیمه بیمه، چاپ پنجم، قم: انتشارات صدرا.
۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲ ب)، حکمت ها و اندرزها، چاپ سوم، قم: انتشارات صدرا.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶) اندیشه سیاسی شهید مطهری؛ دولت و حکومت در اسلام (قسمت سوم)، مجله فرهنگ جهاد، شماره ۵۰، دسترسی آنلاین از: <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/4385/6085/63795>
۳۴. موسایی، میثم و راضیه خسروانی (۱۳۹۶)، بررسی اندیشه های اقتصادی ابن خلدون، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۷، صص ۲۴۹-۲۶۲.
۳۵. موسوی اصفهانی، سید جمال الدین (۱۳۶۸)، ملاحظاتی پیرامون پیام های اقتصادی قرآن، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۶. موسویان، سید عباس (۱۳۸۲)، جایگاه دولت از دیدگاه اسلام، نشریه اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۵۳-۸۰.

۳۷. معمارنژاد، عباس و محمود بابازاده (۱۳۹۲) اثر خصوصی سازی بر تولید ناخالص در ایران و کشورهای منتخب، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، سال ۲۱، شماره ۶۶، صص ۱۸۷-۲۰۸.
۳۸. نقوی، حیدر (۱۳۶۶)، جمع اخلاق و اقتصاد در اسلام، ترجمه: حسن توانایان فرد، چاپ اول، ناشر: حسن توانایان فرد.
۳۹. هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۸۲)، مبانی نظری ساختار مالکیت از دیدگاه قرآن، نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۲، صص ۱۱-۳۶.
۴۰. هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۸۶)، مبانی نظری دولت در قرآن کریم، نشریه اقتصاد اسلامی، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۷-۳۱.
۴۱. یوسفی شیخ رباط، محمدرضا (۱۳۹۵)، سیر اندیشه های اقتصادی متفکران مسلمان، چاپ اول، انتشارات سمت.
42. -Hakim, Cecep maskaunal (2009), Ibn Khalduns Thought in Microeconomics: Dynamic of labour, Demand- Supply and Prices.
43. Hoffman, 'John' (2007) A Glossary of Political Theory 'Edinburgh: Edinburgh University press.
44. -Ibn Khalduns (1967), The Muqaddimah, Trans. By Fraz Rosenthal, New York, Patheon PRESS, Vol,2, P.1-681.